



آتیه‌نو

A T I V E H N O

صاحب امتیاز:

موسسه فرهنگی هنری آهنگ آتیه

(تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی)
مدیر مسئول و رئیس شورای سیاست گذاری:

ابراهیم رستمیان مقدم
سرمدییر: رضا جمیلی

معاون سرمدییر: میترا فردوسی

مدیر هنری: سیدعلی رضا میرزامصطفی

صفحه‌ارایی: محسن منوچهری

ویرایش عکس: شبنم رضوانی

ویرایش متن: مریم مهداد

تحریریه: مسعودشاه‌حسینی، مجتبی کاوه

عماد عزتی، مسعود مشایخی، فاطمه علی‌اصغر،

مریم طالبی، صدرا محقق، امین جالوند،

المیراحسینی، نسرين ظهیری، حمیدرضا

عبدالوند، عبدالله‌مقدمی، مهدی‌شادمانی،

مرتضی گلپور، مهرآذین بشیری‌راد و...

با تشکر از: بیژن رضمانی، ابراهیم باقری،

صولت فروتن

نشانی: خیابان احمد قصیر، خیابان دوازدهم

شماره ۲۲، طبقه پنجم

تلفن تحریریه: ۰۶-۸۸۵۱۷۰۸۵

www.Atiyehnoweekly.ir

چاپ: هنر سرزمین سبز

آگهی و اشتراک: ۰۹۱-۸۸۵۱۷۰۸۵

ناظر چاپ: علی توتونی

• زیر پوست شهر - ۱۷۷ •

• نسرین ظهیری •

روایت یک خرم‌آبادی در بسفر

نگاه زن تا ته تنگه بسفر رفته و باز نیامده، آن‌سوتر که قاره آسیا در نمایی دل‌انگیز نشست است. زیبا و مسحورکننده. مرغ‌های دریایی به زبان استانبولی می‌خوانند. موج‌ها ایرانی نمی‌دانند. هوای نرم، در آسمان زنگاری لرگی می‌قصد. موج‌ها آهسته‌اند. یواش بر هم می‌نشینند. یواش زمزمه می‌کنند. زن به مرد می‌گوید: «گوشی من رو پس بده». بعد زن سوالی می‌شود: «تو چرا این یکی، دو روزه گوشی من رو نمیدی؟» مرد با اکراه گوشی زن را پس می‌دهد. نگاه زن بازمی‌گردد روی گوشی موبایلش و دیگر تا انتها نگاهش بر نمی‌خیزد. از همین جا هم می‌شود صدای سیل را شنید. صدایی که از خبرهای تو گوشی می‌زند بیرون. صدای زخمی آدم‌ها. فریادهای ناچاری. توره سیل. هوار آب طغیان کرده. صداهای ایرانی. فریاد دهشتناک آدم‌ها. ماشین‌هایی که بر هم می‌غلطند، زور سیل را به رخ می‌کشند. صدای ناتوان کودکی که از مادرش می‌پرسد میان این همه آب. خانه ما کدام بود. خانه ما کجاست. صدای محو مادری که می‌گوید خانه رفت زیر آب. خبرها پشت‌سرهم می‌آیند. خبرهای پُرس‌رو صدا، خبر آوارگی، زن جابه‌جا می‌شود. نگاهش تلخ می‌شود. باد و هواو آب ارام دوروبرش انگار هم سیل گرفته باشد. با همراهش حرف می‌زند. صدایش میان جیغ‌های مست مرغ‌های دریایی گم می‌شود. انگار بگومگویی در گرفته. زن کوله‌اش را برمی‌دارد. بند کتانی سورمه‌ای‌اش باز شده. بند را سفت گره می‌زند، بلند می‌شود دست مردش را می‌گیرد و همان طور که مشغول چانه‌زدن است کاپشن سورمه‌ای مرد را مرتب می‌کند. جمله‌های گره خورده زن را نسیم خارجی برایم می‌آورد: «بلند شو بریم، سیل، معمولان رو برد. خرم‌آباد رفت زیر آب. چطوری پیشینم اینجا. همه قوم و خویشم گرفتار آب شدند. بیا بریم بلیت برگشت رو عوض کنیم»، مرد، پرسشگرانه نگاه می‌کند: «از دست ما چه کاری ساخته است. حتی برسیم اونجا هم، همه جاده‌ها بسته است. حتی نمی‌توانند کمک ببرند، چه برسه به اینکه با ماشین شخصی بریم تو جاده، کدوم جاده، جاده‌رو هم آب برده». زن گوش نمی‌کند، می‌رود. صدایش میان زبان‌های ترکیه‌ای، چینی، روسی و آفریقایی، مزه ایران می‌دهد: «مهم نیست که بذارند یا نه، مهم اینه که نزدیک‌تر باشیم به سیل، وسط معرکه، وسط گرفتاری. اینجا دیگه خوش نمی‌گذره. فکرم تو ایرانه. زودتر بیا.»

حراج آثار هنری برای کمک به سیل زدگان با عنوان «سیل مهربانی»

مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری در نظر دارد با برپایی نمایشگاهی برای حراج برخی آثار منتخب هنری، عواید فروش این آثار را به آسیب‌دیدگان سیل اخیر در کشور اختصاص دهد. به گزارش «ایلنا»، حوزه هنری از تمامی هنرمندان برای شرکت در این حرکت خیرخواهانه دعوت کرده است آثار خود را به منظور عرضه در این نمایشگاه تا تاریخ ۱۹ فروردین به آدرس خیابان سمیه، ترسیده به حافظ، حوزه هنری، طبقه دوم، واحد تجسمی ارسال کنند. هنرمندان می‌توانند برای انتقال آثار خود با شماره تلفن ۰۲۶۱۰۳۳۷۰۹۱ تماس حاصل کنند تا هماهنگی‌های لازم در این خصوص انجام گیرد. زمان برپایی نمایشگاه برای حراج آثار هنری، از ۲۰ تا ۲۴ فروردین ماه ۱۳۹۸ اعلام شده است.

ایاتیه‌نو

جایی برای حرف‌های خودمانی

یکشنبه • ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ • شماره صد و نود و پنج

A T I V E H N O

• ساختمان نیمه‌کاره - ۱۷۵ •

• مسعود مشایخی •

روزهای سخت می‌گذرد...

ابتدا سال جدید را به همه تبریک می‌گویم. امیدوارم سالی که پیش‌رو داریم، برای همه، سالی پُر از خاطرات خوب و سال رسیدن به آرزوهایشان باشد. سالی که با نعمات و نزولات آسمانی شروع شد و متأسفانه این بارش‌ها در برخی مناطق تبدیل به بحران شد. جا دارد ابراز هم‌دردی کنم با مردم سیل‌زده کشورمان. سبیلی که باعث شد عید نوروز به کام هم‌وطنان عزیزمان در شمال، جنوب، مرکز و غرب کشور تلخ شود. سبیلی که موجب ویرانی خیلی از خانه‌ها شد و آمال و آرزوهای مردمان آن دیار را با خود برد. به‌خوبی درک می‌کنم چه روزها و شب‌های سختی را سپری می‌کنند. تقریباً ۱۰ ساله بودم که شهر ما (جیرفت) گرفتار سیل ویرانگری شد. دو هفته بدون وقفه باران می‌بارید؛ شب و روز. تمام سیل‌بندها و سدهای منطقه لبریز آب شده و رودخانه‌های اطراف شهر دیوانه‌وار به خروش آمده بودند. تمام پل‌ها شکسته و راه‌های ارتباطی به شهر قطع شده بود. چند روز نه نان داشتیم و نه موادغذایی به شهر می‌رسید. یک روز صبح، صدای آژیرها بلند شد و با بلندگو اعلام کردند که سد بزرگ بالا دست رودخانه اصلی شهر در حال شکستن است و احتمالاً تا چند ساعت دیگر تمام شهر، زیر آب خواهد رفت. دستور تخلیه دادند. هیاهویی در شهر به‌پا شد. هرکسی ماشین و وسیله نقلیه‌ای داشت جان خود و خانواده‌اش را برداشت و به قسمت بالای شهر رفت. بقیه هم با پای پیاده و سراسیمه پا را راه می‌گذاشتند. عده‌ای حتی احشام و حیوانات را با خود همراه کرده بودند تا منبع درآمدشان را هم نجات دهند. بعضی هم چیزی برای از دست دادن نداشتند و در خانه‌هایشان ماندند و منتظر سیل و وقوع معجزه‌ای شدند. آن شب در شهر ما هیچ‌کس تا صبح چشم‌پوش روی هم نگذاشت. مردان شهر به لب رودخانه رفته و چشم به موج‌های آن دوخته بودند و در دل، دعا می‌کردند که راه شهر را در پیش نگیرند. زنان هم در خانه، سر بر سجاده گذاشته بودند و دل‌های پرآشوبشان را با دعا آرام می‌کردند. آن شب و شب‌های دیگر هم آمد و رفت، اما به لطف خدا سد نشکست. اما سرریز آن، قسمتی از شهر را با خود به زیر آب برد. بسیاری از خانه‌های شهر ویران شد. عده‌ای از مردمان شهر ما را با خود به کام مرگ کشاند. با اینکه آن روزها سن چندانی نداشتیم، اما خاطرم تلخ آن شب‌ها و روزها به‌خوبی در پس ذهنم مانده. وحشت و دلهره‌ای که در چهره همه مردم شهر موج می‌زد. فریاد بچه‌هایی که جلو چشمشان، سیل پدرشان را با خود برد و کاری از دست کسی برنیامد. صحنه‌های مردان و زنانی که خانه‌هایشان با یک موج ویران شد. من به‌خوبی دردهای آن‌ها را می‌فهمم. روزهایی سخت برایشان در حال گذر است. روزهایی که امیدوارم به امید خدا و کمک مردم و مسئولان کشور برایشان تبدیل به‌روزهای شاد و پُرآمید شود.



طنز کارگری

دکمه بر گشت کجاست؟

**با سه‌میه‌های خویش تاجر گشتم
با سه‌میه‌هام «گادفادر» گشتم
میلیونر ریز و ناتوانی بودم
صد شکر که حال میلیاردر گشتم**
بله؛ «کفر نعمت از کفت بیرون کند» همین من‌خام عوام بی‌سواد چه می‌دانستم که سال جدید قرار است در همان دو هفته اول زهرچشم بگیرد و نصف مملکت را بشوید و ببرد؟ البته نامرد حتی نشست و نبرد، بلکه کلسی گل‌ولای را هم با خودتوی خانه‌های هم‌وطنان مان آورد.
به هر حال من یکی، از سال ۹۷ معذرت‌خواهی می‌کنم.

گفتیم: خدا! دکمه «برگشت» کجاست؟
برای همین، اول سالی می‌خواهم سنگ‌هایم را با سال ۹۸، وابکنم و بگویم: «خیلی نامردی! باز هم گلی به گوشه جمال ۹۷». اصلاً حالا که فکرش را می‌کنم می‌بینم در مورد سال قبل خیلی بی‌انصافی کرده‌ام. این بیچاره چه گناهی کرده بود جز اینکه ثروت و دارایی عده‌ای از ملت را چند برابر کرد؟ کلی آدم را میلیونر و میلیاردر کرد؟ اصلاً مگر عید نوروز سال قبل کسی باورش می‌شد که خانه و زندگی‌اش چند صد میلیونوی و میلیاردی بشود؟

برای سال ۹۷ می‌نوشتم. ترجیح‌پندش این بود «بری دیگه برنگردی!» اما به قول بنده خدایی: «چی فکر می‌کردیم، چی شد؟!»
بله، همان طور که معصوم و کتک‌خورده از سال قبل، با یک بغض غریب ته‌گلو، زُل زده بودیم توی چشم سال جدید، یک نفس عمیق کشیدیم، چشم‌ها را بستیم و خواستیم که خودمان را رها کنیم در آغوش ۹۸... که ای کاش رها نکرده بودیم!
چون «هفت» نرفت، گفته شد «هشت» کجاست؟
آن سال نکو و عالی و مشت کجاست؟
با تشت رسید «هشت» و سیلاب آورد

• سرعت گیر - ۴۵ •

• عبدالله مقدمی •

می‌گویند در جهنم، ازادری! هستند که آدمی از ترس آن‌ها به مار غاشیه پناه می‌برد. حالا ان‌شاءالله که نرویم و نبینیم، اما دور از جان شما- اگر یک وقت رفتیم و دیدیم هم، لااقل بعد از عید نوروز ۹۸، بی‌تجربه و خام نیستیم. یادتان هست همین من ناشکر، چقدر از سال ۹۷ نالیدم؟ چقدر به‌صورت زیرزیرکی و رزورویکی! فحش و فضیحتش دادم؟ حالا که وقت اعتراف است، بگذارید این را هم بگویم که داشتم یک شعر شکوایه‌طور هم

بحث داغ شبکه‌های اجتماعی:

سیل پشت سد همدلی



کاربر دیگری به نام «پویان» نیز با انتشار تصویری از نوجوان خوزستانی که در تلاش است با ایجاد خاکریز، مانع از ورود آب به روستای خود شود، در این باره نوشت: «خوزستان، نوجوانانش هم بزرگ‌مردند... چه دیروز، بهنام محمدی‌ها و مقابله جانانه‌شان با صدامی‌ها و چه نوجوانانی که این روزها در مقابله با سیل، غوغا کردند. جانم به این غیرت و مردانگی و ایثار... دمک خار یابن اخی...»
کاربری به نام «علی» نیز به مسئله مهم «اتحاد» در این روزهای سخت اشاره کرد و نوشت: «در گلستان سیل آمد و تبعات سختش همچنان پابرجاست. اما سیل هم‌گرایی مردم، تلاش‌های اندکی که از سال‌ها پیش به‌دنبال ایجاد شکاف فرضی بین ترکمن و فارس و... بودند کاملاً از بین برد. همدلی و اتحاد را ادامه دهیم.»
کاربر دیگری به نام «ندا» هم از مردم شیراز گفت، مردمی که در برخوردشان با هم‌وطنان سیل‌زده سنگ‌تمام گذاشتند و این روزها همه جا صحبت از مهربانی آن‌هاست. او در این باره نوشت: «مردم شیراز انسانیت را به رخ مردم جهان کشیدند، مراکز درمانی و بیمارستان‌ها برای درمان رایگان آسیب‌دیدگان اعلام آمادگی کردند. مردم تا پایان سیل ایستادند و مجروحان را به مراکز درمانی رساندند. احسنت به غیرت این مردم که برای اثبات انسانیت سنگ‌تمام گذاشتند.»

برای مقابله با سیل و کمک به هم‌وطنان آسیب‌دیده.
«پژمان راهبر» با انتشار عکس معروفی از روستایی در شمال ایران که با کمک مردم از ورود آب در امان مانده است، در توضیح آن نوشت: «...مردم روستا با ساخت خاکریز شنی و سد، خود را از سیل حفظ کرده‌اند. انگار که یک جزیره جدید در شمال ایران کشف شده باشد. جزیره‌ای ساخته دست مردم خسته، اما امیدوار حاجی‌آباد.»
کاربری به نام «ابراهیم» نیز در این خصوص نوشت: «روستای حاجی‌آباد یک نمونه کوچک برای ایران امروز است. اول تهدید را جدی نگرفتند، ولی وقتی هشدار مسئولان یعنی دیدبان‌های خود را دیدند و مشورت کردند، با وحدت و همدلی مرد و زن، پیر و جوان با کار شبانه‌روزی، سیل را مهار و تهدید را دور کردند.» کاربری به نام «پدرخوانده» هم در خصوص موج کمک‌های مردمی از سراسر کشور برای مردم آسیب‌دیده در حوادث اخیر، نوشت: «وقتی در اخبار می‌بینی مردم کل کشور دارن با جان و دل به هم‌وطن‌های سیل‌زده کمک می‌کنن خوشحال میشی، ولی وقتی فکر می‌کنی این‌ها همون مردمی هستن که گرونی و مشکلات گلوшон‌رو گرفته ولی از سفره خودشون می‌زنن، قشنگ احساس غرور می‌کنی حیف این مردم...»

شکسته نمی‌شد، نزولات آسمانی این‌گونه به سیل‌های ویرانگر تبدیل نمی‌شد؛ تعرض به حریم‌های انسانی نیز بسترساز سیل‌های ویرانگری است.»
«پدرام سلطانی» نیز به عدم آگاهی و آمادگی مردم در مواجهه با حوادث این‌چنینی اشاره کرد و در این خصوص نوشت: «ای کاش به‌جای خدمت‌وظیفه بی‌حاصل برای جوانان و بی‌فایده برای مردم، جوانان ما، اعم از پسر و دختر، آموزش امدادگری و مقابله با بحران‌ها را می‌دیدند و در چنین مواقعی به خدمت مدنی فراخوانده می‌شدند. ما ملتی هستیم که نه برای حفاظت از خود و نه کمک به دیگران کمترین آموزشی ندیده‌ایم.» کاربری به نام «محمد» هم در خصوص شرایط سخت مردم در روزهای اخیر، نوشت: «از اول امسال سیل به خیلی‌ها آسیب زده، پیشگیری از بحران و مدیریت بحران در برخی مواقع وجود ندارد، وضعیت مالی مردم برای کمک، خراب است. از خارج کشور انتقال کمک مالی به ایران به‌خاطر تحریم‌ها سخت است، ولی چیزی که دلگرمی می‌دهد، حضور «داوطلبان مردمی» برای کمک به همدیگر است.» همین داوطلبان مردمی که محمد به آن اشاره کرده است، حالا به بحث داغ شبکه‌های اجتماعی در روزهای اخیر تبدیل شده است. فضای مجازی این روزها پُر شده از تصاویر همبستگی مردم